

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱

جلسه: ۱۱

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنه الدائمۃ علی اعدائهم اجمعین
اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین.

بحثی که بود به مناسبتی راجع به مجموعه نوشتارها یا صحبت‌های که بوده جنبه نوشتاری که فیما بعد مصدر تدوین سنن قرار گرفته در قرن اول چون در قرن دوم و سوم این‌ها جمع آوری شد مسلم از روایات شفاهی است و لسانی است ما در این فکر بودیم که آیا می‌شود در قرآن اول مجموعه نوشتارهای که بود آیا این‌ها را جمع آوری کرد تنظیم کرد کل این‌ها حالا نامه‌های رسول الله فکر خوبی است فقط نام بردن، چون دیروز هم آقای علی رضا یک مقدار کتاب‌های را خواند از اهل سنت درباره تدوین سنن و این‌ها از این معاصرین نوشتند معلوم می‌شود همین فکری که به ذهن ما آمده آقایون هم انجام دادند لیکن آیا این‌ها آن متون را هم جمع کردند یا نه؟ آن را نمی‌دانم الآن چون آن کتاب‌ها را فقط عنوانش را از این دستگاه‌ها خواندم به نظر من اگر جمع آوری بشود خیلی خوب است البته باز این شبهه می‌ماند که مثلاً این کتاب عایشه (احتمالاً عمره) بنت عبدالرحمن انصاریه به قول خودشان آیا واقعاً نوشتار بوده ظواهرش این طور یک عبارت بود سنن عمره، من می‌گویم عایشه اشتباه عمره بنت عبدالرحمن، آیا این نوشتار بوده یا این هم احادیث بوده به هر حال آنچه که الآن ما باش فعلاً با مشکل رو به رو هستیم این است که نوشته که ما یک مقدار سنن رسول الله را جمع کردیم قبل از این که برای عمر ابن عبدالعزیز بفرستیم ایشان فوت کرد، و با دیگر این چیز شد یعنی پراکنده شد اگر آن کتاب دست ما می‌رسید خیلی تأثیرگذار بود چون اولین مجموعه است در قرن اول،

س: کتاب عمره

ج: نه کتاب عمره، همانی که ابی بکر ابن محمد ابن عمر ابن حزم یا به عکسش ایشان به امر عمر ابن عبدالعزیز جمع آوری کرد نوشته که ما جمع کردیم از سنن عمره احادیث عمره و سنن رسول الله را جمع آوری کردیم لیکن هنوز برای ایشان نفرستاده بودیم ایشان فوت کردند ایشان فوت کردند که بعد ما جمع کردیم اگر این جمع که ادعا می‌کند ایشان این دست ما می‌رسید خیلی تأثیرگذار بود که آیا از نوشتارها گرفته یا نه؟ به هر حال آنچه که الآن ما می‌توانیم به عنوان نوشتار در قرن اول آن مقدار را واضح واضح است صحیفه صادقۀ ظاهراً حالا کی تدوین شده می‌گویم چون علمای اهل سنت مثل بخاری اشکال دارند در کیفیت این کتاب به هر حال اوائل قرن دوم مشهور شده حالا کی؟ چه جوری در قرن اول؟ اگر این کتاب نسخه درست باشد ابتداء تألیفش هم واضح است ماه رمضان به اصطلاح هشتم که سال فتح مکه است چون دارد که پیغمبر عتاب ابن اسید را هم به عنوان والی مکه قرار دادند و آن وقت شروع کرد به نوشتن، این تاریخش ابتدائش واضح است اگر این نوشتار درست بود عرض کردیم یک مقدار صحیفه‌ای بوده که امیرالمؤمنین به نام صحیفه جامعۀ داشتند این هم ظواهرش این است که اختصاص به اهل بیت داشته احتمالاً این کتابی که حمام ابن منبه از عمر ابن ابوهیره نوشته این هم مال احتمالاً قرن اول باشد البته مال صحابه نیست مال تابعین است تابعین نوشته اگر کتاب عمره بنت عبدالرحمن من نمی‌دانم در کتب اهل سنت عمره بنت عبدالرحمن همین احادیث بهش نسبت دادند یا سنن اگر سنن عمره هست آن شب خواندیم مثلی که به نظرم آقای بروجرودی حافظه من اعتماد به حافظه می‌کنم حافظه یعنی مال چهل و پنج و شش سال قبل نه حافظه دیروز و پریروز همان وقت‌های که نجف مطالعه می‌کردم جامع

.....

الاحادیث را به نظرم ایشان عبارتی که نقل می‌کند مرحوم آقای بروجردی و این که نقل بکند از سنن عمره این تو ذهنم کلمه سنن عمره هست اما این که مراجعه‌ای که چند روز پیش کردم احادیث عمره دارد این دوتا عنوان با همدیگر فرق می‌کند به هر حال اگر این مطلب ثابت باشد به هر حال قدر متیقن این روایات در آن مجموعه اولیه تدوین سنن موجود بوده این مسلم است یعنی فقط نمی‌دانیم نوشتار بوده یا لفظ سماعی بوده شنیده از او چون دختر عمویش می‌شود هردو از بیت به اصطلاح انصاری‌ها عمر ابن حزم هستند و این به اصطلاح احتمالاً یا از او شنیده از عایشه یا این خانم نوشته ایشان از عایشه نقل می‌کند عبارات را به نوشتار ایشان از این که عمر ابن عبدالعزیز تأکید دارد از این بگیر از عایشه باید یک نکته خاصی باشد یا خیلی پالایش کرده یا نوشتار بوده یک چیزی همچون طبیعی طبیعی نیست چون در آن زمان افراد دیگری هم از عایشه نقل می‌کردند خود عروه ابن زبیر مثلاً که پسر به اصطلاح برادرش می‌شود چون یعنی پدرش پسر خاله‌اش می‌شود چون عایشه به اصطلاح دختر ابوبکر است و زبیر هم دختر ابوبکر را گرفته، عروه پسر آن است زبیر ابن عوام زنش به اصطلاح اسماء بنت ابی‌بکر است دختر اسماء، و گفته شده اسماء ده سال از عایشه بزرگتر بود آن، غرض این که عروه ابن زبیر از خاله‌اش نقل می‌کند و این هم هست حالا تعجب است که گفته سنن یا احادیث عمره را نقل بکند به هر حال در قرن دوم و سوم مسلم نقل شده اصلاً حدیث عروه نقل شده انما الکلام در قرن اول، آنچه که این جا الآن محل تأمل است این‌ها اجمالاً روشن است نامه‌های رسول‌الله اجمالاً هست حالا سند دارد یا سند ندارد؟ توی این نامه‌ها یک عده‌اش توش اقطاع هست که مثلاً به رسول‌الله عرض کردم مثلاً از یمن آمده بود آن جا یک وادی بزرگی است مثلاً ریگ دارد چه دارد فلان این وادی را اقطعه النبی پیغمبر به او دادند که مثل همین در آمریکا اولی که رفتند خب زمین‌های بسیار بزرگ چندین هزار هکتار را می‌گرفتند به اسم خودشان می‌کردند دولت به این‌ها می‌داد که اصطلاحاً عرب‌ها اقطاع می‌گویند ما فتودال می‌گوییم به لفظ انگلیسی یا ارباب بعدها این‌ها منتهی شد به یک نظام اجتماعی اقتصادی به نظام ارباب رعیتی یا نظام فتودالسم علی‌ای حال زمین‌های بسیار بزرگی را پیغمبر اکرم چون این‌ها بنایشان به این بود که زمین باید با احیاء تملک بشود نه پیغمبر به عنوان ولی امر هم می‌توانستند اقطاع بکنند اقطاع یعنی یک قطعه‌ای از زمین را به او دادند، دادن یک قطعه از زمین به او،

س: تملیک کند

ج: تملیک بکنند و ملکش شد و بعدها عده‌ای این زمین‌ها را فروختند تکه تکه مثلی همین کارهای که تو همین ایران ما هم شد دیگر این زمین‌ها را تکه تکه کردند فرض کنیم به خود زبیر یک تکه زمین بزرگی را اطراف مدینه دادند که بعدها تکه تکه کردند و فروختند به اصطلاح می‌فروختند قسمت قسمت می‌کردند اصطلاحاً اقطاع حالا وارد این خصوصیاتش نمی‌خواهم بشوم غرض جمله‌ای از احکام در همین نامه‌ها آمده این‌ها مجموعه‌ای است که از این‌ها جمع کردند آن وقت بخش اهل بیت یک نوشتاری بوده که مربوط به خود ائمه بودند گاه گاهی به افراد نشان دادند که آن صحیفه جامعه که معلوم می‌شود تمام احکام و تمام خصوصیات در آن بوده یک چیزی در خود کوفه که احتمالاً حالا چون یقین نمی‌توانیم احتمالاً از مثلاً آخر سال‌های سی و هشت و سی و نه، به امیرالمؤمنین هم به ابورافع نسبت داده شده و هم به ابوعبیدالله یک سند به ابوعبیدالله هم داریم به عبیدالله، حالا عبیدالله هم دوتا است یکی عبیدالله پسر ابورافع یکی پسر پسر حالا آن هم باز یک مشکلی دارد که الآن وارد بحث اصولاً خاندان

ابورافع کلاً خودش و بچه‌هایش و بعد نوه‌هایش همین چندین نسل بعدش در کتب رجالی ما و رجالی اهل سنت اسم‌هایشان اشتباه دارد

س: خلط

ج: خلط دارد مثلاً همین عبیدالله هم نوه دارد عبیدالله هم پسر دارد عبیدالله که این حالا عبیدالله مال پسر است یا مال نوه هست به اصطلاح و این باز یک شرح خاصی خودش دارد که الآن من نمی‌خواهم وارد این بحث بشوم و انصافاً هم بعضی از آقایون نوشته بودن مقاله‌ای راجع به این من نگاه کردم انصافاً هم یک چیزی درست و درمانی آخرش گیر آدم نمی‌آید خیلی مشوه کردند خیلی امور ابورافع را و فکر می‌کنم خود من فکر می‌کنم چون ابورافع غلام رسول‌الله بوده با پیغمبر در مکه بوده بعد مدینه آمده و خیلی مردی، مصری بوده مال غبط بوده غبطی بوده مرد با قابلیت بوده زنش هم کنیز رسول‌الله بوده به نام سلمی آن‌هم زن با قابلیت بوده داخل خانه بوده کارهایی، حتی می‌گویند قابله امام حسن و امام حسین او بوده احتمالاً هم آنی که با امیرالمؤمنین غسل داده حضرت زهراء همین سلمی باشد نه اسماء بنت عمیس یا سلمی بنت عمیس هیچ کدامش بعید باشد آن دوتا بعید است باشد احتمالاً همین سلمی زوجه ابی‌رفیع باشد که تغسیل حضرت زهراء را در خدمت امیرالمؤمنین انجام می‌دادند یعنی امیرالمؤمنین انجام می‌دادند آن‌هم شاهد بوده یا مثلاً یک قسمت‌های را او انجام می‌داده، علی‌ای حال بنابراین خوب عنایت بفرمایید که این ابورافع و سلمی و بچه‌هایش همه از مخلصین امیرالمؤمنین بودند و طبعاً شواهد نشان می‌دهد که نمی‌خواستند خیلی به این‌ها بهاء بدهند مثلاً بهاء را می‌خواستند فرض کنیم مثلاً به اسامه بدهند پسر زید مثلاً که مخصوصاً تخلف از بیعت امیرالمؤمنین کرد و بهاء را مثلاً اصلاً از اسامه در آوردند که اسامه احب الخلق الی رسول‌الله با این‌که با وجود حسن و حسین صحبت‌ها کردند امامین هم‌امین خب صحبت بی‌ربطی هست و مثلاً خیلی احادیث را از عایشه نقل کردند با این‌که خب سلمی هم کنیز حضرت بود محرم بود انجام می‌داد مطالب مطلع بود ظاهراً و بعد هم خاندان ایشان از بچه‌ها نوه‌ها نیره‌ها ظاهراً از مخلصین امیرالمؤمنین بودند و تقریباً بناشان بر این بود که خیلی از ابورافع و سلمی و این خاندان نقل نکنند ظاهرش این طور است این اشتباهی هم که در اسماء پیدا شد آنی که من می‌فهمم این است حالا خیلی با این‌که امکان نقلی از این افراد در خصوصیات زندگی پیغمبر خیلی زیاد بود خصوصاً یک قصه‌ای را هم در نجاشی هم آورده که ابورافع به نظرم شأن انما ولیکم الله است اصلاً نجاشی با سند نقل می‌کند که ابورافع می‌گوید پیغمبر خوابیده بود بلند شد این آیه را خواند که در باره امیرالمؤمنین است انما ولیکم الله و رسوله علی‌ای حال این آیه یا آیه دیگر حالا من تو ذهنم نیست اگر می‌خواهید اول اولین اسمی هم که در نجاشی است ابورافع است به هر حال این کتاب هم از امیرالمؤمنین پخش شد و به حارث نسبت داده شد و لیکن محل پخشش کوفه و عراق بوده تدریجاً ظاهراً به مدینه هم رسیده ظاهراً رسیدن به مدینه تا آن‌جای که ما اطلاع داریم توسط یعنی خدمت امام باقر سلام الله علیه است دیگر حالا چون یک شرح خاصی دارد فعلاً وارد نمی‌شویم احتمال هم دادیم که این کتاب منشأ عده‌ای از کتبی باشد که بعدها با یک سند واحد به امیرالمؤمنین مثل کتاب سکونی مثل کتاب مسند زید اگر این باشد این کتاب هم یک ارزش مضاعفی دارد حالا اگر ثابت نشد این کتاب که دقیقاً تمامش مال امیرالمؤمنین است به هر حال اجمالاً مقدارش معلوم بوده کاملاً دیگر توضیح مقدارش و این‌هایش جای خودش و احتمالاً این کتاب اشعثیات که این در کتاب کامل ابن عدی اشکال کرد راجع به این کتاب این هم ظاهراً یک

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۴

جلسه: ۱۱

قسمتی از آن است احتمال قوی دارد که یک قسمتی از آن باشد از همان کتاب قضایا و سنن و احکام و اسم دقیق کتاب هم فکر می‌کنم السنن والاحکام و القضایا باشد، کتاب نجاشی را بیاورید ابورافع را به نظرم دقیقاً اسمش این طوری باشد، س: عن ابی رافع کتاب السنن و الاحکام و القضایا،

ج: همین که من گفتم خوب است حافظه من نا امید شده بودیم الحمدلله معلوم شد که خوب است، سنن اصطلاحاً که چون اولش هم دارد نقل می‌کند مرحوم نجاشی بعد کتاب می‌آورد که کان اذا توضوء این معلوم می‌شود سنن یعنی سنن وضوء و صلات و این‌ها، احکام ظاهراً مثل غصب و وقف و این جور چیزها قضایا هم که قضایایی است که امیرالمؤمنین مثل قضاوت‌های مثل همین قضاوت‌های محیرالعقول حضرت مثلاً چاپ کردند،

س: سنن سنن رسول الله

ج: سنن رسول الله، سنن رسول الله در نماز همانی که عرض کردیم امیرالمؤمنین مطرح کرد که عمر گفت نمی‌شود می‌شنا کمیشنا اهل الکتاب و جلو کار ایستاد ایشان آن وقت از لطایف این است که این کتاب هم که منسوب، این هم مبوب است همان اشکالی که من تعجبم چرا ابن عدی اشکال به آن کتاب کرده همان اشکال ابن عدی به این هم می‌آید این قبل از کتاب اشعثیات است، س: مبوب بودنش معلوم است

ج: بلی نجاشی بخوان عبارتش حالا من این کتاب خیلی شرح می‌خواهد انصافاً هم کار مستقلاً روش بشود خیلی ارزش دارد خیلی می‌شود چون این کتاب بعینه تا زمان مثل کلینی و صدوق هم موجود بوده اما اصحاب ما نقل نکرده و طروق مختلف داشته بخوانید بعدش می‌گوید له کتاب،

س: بلی، خب لابی الرافع کتاب السنن و الاحکام و القضایا، و روی هذه النسخه من الکوفیین، اولش می‌گوید اخبرنا محمد ابن جعفر ابن نحوی، قال حدثنا

ج: این محمد ابن جعفر عرض کردم از علمای ادب در بغداد بوده ابوالحسن تمیمی در این کتاب سیوطی که بغیة اللغات است اسمش آمده این طریق مرحوم نجاشی به ابن عقده است این از آن راه‌های است که در نجاشی در فهرستش از بغداد می‌رود به طرف کوفه دیگر قم نمی‌آید نشان می‌دهد این نسخه در کوفه موجود بوده، هنوز توی، یعنی نه هنوز توی قمی‌ها جا نیفتاده بوده روشن شد اخبرنا محمد ابن جعفر این از ادباء است ادیب است المؤدب هم گفته شده، عرض کردیم المؤدب در آن زمان کسی که صرف و نحو و لغت و کسی ادبیات ما به فارسی می‌گوییم این‌ها را تدریس می‌کردند یا استاد این رشته بودند در آن‌جا می‌گفتند بعد اخبرنا ابن عقده، ایشان هر وقت اسمش آمد بعدش ابن عقده است دیگر ایشان و ایشان هم از منفردات نجاشی است این اسم یعنی شیخ طوسی شاید نزدیک چهل و پنج، پنجا مورد تو نجاشی باشد چهل و هشت مورد، پنجا مورد تو نجاشی محمد ابن جعفر هست از منفردات نجاشی است شیخ ایشان را درک نکرده از ایشان نقل نمی‌کند بفرمایید

س: حدثنا احمد ابن محمد ابن سعید قال حدثنا

ج: احمد ابن محمد ابن سعید همین ابن عقده معروف است کوفی است بلی

س: قال حدثنا حسن ابن حسین الانصاری

ج: این حسن ابن حسین انصاری هم یک معلومات اجمالی هست حالا چون دیگر نمی‌خواهیم وارد آن بحث بشویم باشد، بفرمایید

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

صفحه ۵

جلسه: ۱۱

س: قال حدثنا علی ابن القاسم الکندی

ج: علی ابن القاسم الکندی بفرماید

س: عن محمد ابن عبیدالله ابن ابی رافع عن ابيه عن جده

ج: این جا عبیدالله را نوه گرفته یک عبیدالله هم داریم که پسر باشد عن ابيه این جا پسر گرفته معذرت می خواهم عبیدالله یک نوه

هم دارد این جا به محمد ابن عبیدالله عن ابيه یعنی عبیدالله عن جده ابورافع بخوانید عن جده ابی رافع

س: عن علی ابن ابی طالب علیه السلام

ج: ببینید گوش کنید قال

س: عن علی ابن ابی طالب علیه السلام انه كان اذا صلى قال في اول الصلاة

ج: اذا صلى قال في اول الصلاة اول كتاب این جوری سنن صلات است كان اذا صلى قال في اول الصلاة بعد

س: و ذكر الكتاب الى آخره باباً باباً الصلاة و الصيام

ج: دقت عرض کردم مبوب بوده، و ذكر الكتاب باباً باباً طبعاً اگر این مطلب درست باشد که شواهد خوب زیاد دارد برای تأییدش

معلوم می شود در حقیقت اولین بار در دنیای اسلام کسی کتاب فقهی مرتب نوشته امیرالمؤمنین است ابورافع نوشته، ابورافع چون

می دانید مصر خب مرکز تمدن چند هزار ساله است بعدی، ابورافع یک شخصیت فوق العاده هم هست ولو ابتداءً عبد بوده لیکن

هم پیغمبر آزادش کردند و مردی اصلاً در به اصطلاح ماها واسطه خواستگاری با به اصطلاح همسر پیغمبر خاله ابن عباس اسمش

میمونه بنت الحارث اصلاً ابورافع بوده او بین پیغمبر و میمونه رفت و آمد کرده تا عقد اتفاق افتاده یعنی می خواهم بگویم یک

شخصیتی است که پیغمبر در این مسأله مهم ایشان را واسطه قرار داده دقت کردید، بلی بخوانید

س: و روی هذه النسخه من الكوفيين ايضا زيد ابن محمد ابن جعفر ابن مبارك يعرف بابن

۱۷: ۱۹

عن الحسن ابن الحكم الحبري، حبري

ج: حبري

س: حبري قال حدثنا حسن ابن حسين باسناده

ج: بین باز دو مرتبه برگشت حسن ابن حسین انصاری عن آن ابراهیم قاسم که کندی از محمد به همین سند است حالا بیاورید

عبیدالله ابن ابی رافع در شیخ طوسی این ها را ندارد این جا خیلی عجیب است ابورافع ندارد بیاورید در عبیدالله ابن ابی رافع شیخ

طوسی بیاورید آن شیخ طوسی آن جا دارد

س: عبیدالله را بیاورم

س: این جوری مشکل کتاب اشعثیات هم حل می شود دیگر؟

ج: احسن این تمام مقدمات امروز این خیلی عجیب است که این کتاب مبوب بوده حالا ما چون احتمال دادیم کتاب اشعثیات در

حقیقت همان کتاب سکونی باشد مشکل ما این است که ما شاهد بر این که کتاب سکونی مبوب بوده نداریم این که کتاب سکونی

که در این وسط ما مدعی هستیم گرفتیم نداریم و باز بعد از این کتاب و قبل از اشعثیات یک کتابی به نام مسند الامام زید هست

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۶

جلسه: ۱۱

.....

که زیدی‌ها بهش اعتقاد دارند آن‌هم به همین سند است لیکن عن زید عن ابیه السجاد سلام الله علیه عن ابیه الامام الحسین عن علی آن‌هم باب است و چون زید صد و بیست و صد و بیست و یک شهید شده عادتاً این کتاب باید مال قرن اول باشد البته این کتاب را عمر ابن خالد حالا اسمش را یادم رفت کذا، ایشان نقل کرده عمر ابن خالد و اهل سنت بالاتفاق ضعیفش دانستند در میان علمای شیعه اولین کسی توثیق کرده ابن فضال است در کتاب کشی آمده جای دیگر هم نیامده بعدها علمای ما در مباحث رجالی ایشان را توثیق کردند به توثیق ابن فضال پسر علی ابن الحسن ایشان توثیق کرده و الی آخره حالا مجموعه نقل اصحاب ما هم از این کتاب شاید بین سی تا سی و پنج تا باشد بیشترین عدد را عادتاً شیخ طوسی دارد بعد کلینی دارد و کمترین عدد را هم شیخ صدوق دیگر من وارد شرح این کتاب نمی‌شوم این هم مبوب است این کتاب هم مبوب است ابن عدی اشکال کرده البته به لحاظ فنی اشکال ابن عدی اشکال شکلی است بر کتاب یعنی نیامده رو احادیث کار بکند رفته رو شکل که اصلاً این شکل متعارف نیست مال قرن اول باشد این تبویب و باب باب و کتاب که حالا یک توضیحی هم راجع به این آن وقت عبیدالله ابن ابی رافع را آوردی؟

س: بلی

ج: شیخ طوسی دارد نه، شیخ طوسی بخوانید باز نجاشی این جا ندارد تو ذهنم نجاشی ندارد

س: حالا من از شیخ طوسی که آوردم در فهرست شیخ طوسی شماره ۴۶۷ عبیدالله ابن ابی رافع کاتب امیرالمؤمنین له کتاب قضایا امیرالمؤمنین علیه‌السلام احمد ابن عبدون عن ابی بکر

س: فقط قضایا، یعنی سنن و احکام نداشت

ج: نداشت، کلمه سنن و احکام را نداشت آن وقت ایشان از راه استادش راهش طریقتش با طریق نجاشی فرق می‌کند ابن عبدون ابن

۴۴: ۲۲

احمد ابن عبدالواحد از طریق ایشان بخوانید

س: عن ابی بکر دوری، عن ابی الحسن

ج: ابی بکر دوری وراق بوده به قول نجاشی می‌گوید کان وراق یورق لاصحابنا یعنی به اصطلاح امروز ما انتشاراتی بوده خودش وراق در آن زمان کسانی بودند کتاب‌ها استنساخ می‌کردند و می‌فروختند ایشان از ابوبکر دوری این را مرحوم نجاشی متعرض شده ابوبکر کان وراقاً یورق لاصحابنا معلوم می‌شود نسخه‌ای را که داشته تاریخ نسخه هم روشن شد نسخه‌ای است که ابوبکر دوری در اختیار ایشان حالا این نشان می‌دهد که مرحوم احمد ابن عبدون مرحوم ابن

۲۷: ۲۳

این به اصطلاح همین قسمت قضایا را اجازه داشته، آن دو قسمت دیگر سنن و احکام را اجازه نداشت، خیلی دقیقه اگر راست باشد این حرف‌های ما خیلی این است که مرحوم شیخ عوض کرد از راه ابن عقده نرفت ابن عقده کتاب را به طور کامل اجازه داشت احتمالاً آنی که ابن عبدون قبول کرده قسمت قضایاست چون الآن هم در کتاب‌های ما مجموعه قضایای امیرالمؤمنین زیاد است

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۷

جلسه: ۱۱

س: معروف شده آری

ج: عن عاصم عن محمد ابن قیس عن ابی جعفر قال قضی علی این خیلی زیاد است شاید ابن هاشم عقیده اش بوده که این مقدار ثابت است آن دو قسمت دیگر سنن و احکام روشن نیست بخوانید عن ابی بکر الدوری

س: عن ابی الحسن محمد ابن جعفر ابن محمد ابن جعفر ابن حسن ابن جعفر ابن حسن ابن علی ابن ابی طالب علیهما السلام
ج: احتمالاً از زیدی ها باشد الآن من ایشان را نشناختم،

س: قال حدثنا ابی قال حدثنا احمد ابن عبد المنعم العینی قال حدثنا الحسن ابن محمد ابن الحسين بجلی قال حدثنا علی ابن القاسم الکندی

ج: ببینید علی ابن القاسم الکندی عین آن شد آن جا بجلی نیست به نظرم عن الحسن ابن الحسين
س: بلی آن جا حسن ابن الحسين نوشته

ج: عن الحسن، عین سند نجاشی است خیلی از این جا باهم یکی می شوند این خیلی عجیب است لیکن نجاشی سه تا کتاب نسبت داده سه تا عنوان

س: شیخ یکی

ج:

۱۲: ۲۵

یکی، شیخ دست شیخ نبوده استادش ابن عبدون است

س: سنن و احکام چون روایات دیگری از

ج: شاید بوده قبول نکردند زیر بار نرفتند

س: سه جلد کتاب جداست،

ج: نه فصل است سه بخش است

س: یک فصلش را قبول کرده

ج: یک بخشش را قبول کرده یک بخش را اجازه داده،

س: محمد ابن عبیدالله ابن ابی رافع عن ابيه

ج: عین همان سند، علی ابن قاسم کندی عین همان سند، لیکن ابن عقده با آن سند کامل نقل کرده ایشان فقط قضایایش را نقل کرده،

س: قضایا منحصر به فرد بوده نقل کردند حالا دیگرش شبیهش از امام باقر بوده

ج: مثلاً یا اعتقاد نداشته به هر حال اشکال داشته قبول نکرده آن وقت این روایتی که الآن خواندید این روایتی که الآن خواندید کان اذا افتتح الصلاة این در تهذیب هم آمده بیاورید تهذیب را عن محمد ابن عیسی فقط محمد ابن عیسی اش تو ذهنم است نمی دانم عن یوسف ابن عقیل یا عبید ابن محمد ابن قیس چون یکی از کسانی که این کتاب را نقل کرده محمد ابن قیس است و از او پرسش عبید از این خیلی الآن ما کم داریم، این هم خیلی عجیب است و نشان می دهد محمد ابن عیسی که یقیناً باشد

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۸

جلسه: ۱۱

چقدر سعه معلومات داشته مستقلاً این کتاب را توسط امام باقر نقل می کند این هم منفرد شیخ طوسی است الآن ما دیگر غیر از این نداریم یعنی عجایب عرض کردم این ها را که جمع بکنیم یک چیزی عجیبی پیدا می شود یک نکات عجیب و غریبی در لا به لای معلوم می شود این کتاب وقتی مطرح شده آن وقت عرض کردم دیگر حالا قسمت های دیگرش بخواهیم وارد شویم امام باقر راجع به این کتاب بعض جاها تعابیری دارند که نخواندیم الآن آن وقت بعض از جاها داریم که دارید که مثلاً قال مثلاً در باب احرام در حج می گویند چرا به این وضع آمدی می گوید ما از کوفه مثلاً احرام بستیم فرمودند چرا؟ گفت روی عن علی که من تمام الحج و العمره ان تحرّم بهما من دویره اهلک امام فرمود کذبوا علی علی دروغ است این مطلب که این احتمال هست که این احتمال وارد است که این مطلب در همین سنن بوده و الا نمی شود ابو حمزه ثمالی که جزو اجلاء اصحاب است این مطلب را نفهمد چون مسلم در روایات امام صادق فرمودند نمی شود احرام باید از میقات باشد شما قبل از میقات نمی شود احرام ببندی می گوید ما

س: این حدیثش

۴۷: ۲۷

کان فی اول صلاة ندارد

ج: کان اذا افتتح الصلاة به نظرم، نه همان محمد ابن عیسی عن عبید ابن محمد یا عن یوسف ابن عقیل یوسف ابن عقیل هم راوی این کتاب است عبید ابن محمد هم راوی این کتاب است از محمد ابن قیس و این تا حالا آن سندهای که خواندیم مال اهل کوفه است عجیب این سند این است که حتی نجاشی این از شیعه است دیگر از محمد ابن عیسی است عرض کردم اگر بخواهیم این ها را و این کتاب ظاهراً حتی با دو سند بعینها پیش صاحب دعائم موجود بوده این،

س: این که مال محمد ابن قیس است

ج: آه،

س: بلی بلی

ج: عن محمد ابن عیسی

س: بلی جلد دو صفحه ۹۷

ج: من نوشتم تو نوشته های خودم دیگر تو همان حاشیه کتاب ما دیگر اعتماد به حافظه می کنم بلی

س: محمد ابن احمد ابن یحیی

ج: ببینید خیلی عجیب است یعنی تو قم تا نوادر الحکمه رسیده این از منفردات نوادر الحکمه هست چقدر این کتاب ها چقدر در آن زمان واقعاً سعه معلومات داشتند که نسخه ای از این کتاب که الآن برایتان خواندیم نجاشی هم نسخه اش به سنی ها برگشت شیخ هم همین طور آن وقت این ها نسخه شیعی داشتند خیلی عجیب است بخوانید محمد ابن احمد ابن یحیی

س: محمد ابن احمد ابن یحیی عن محمد ابن عیسی

ج: این یقطینی است،

س: بلی عن یوسف ابن عقیل

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

صفحه ۹

جلسه: ۱۱

ج: این از شاگردهای محمد ابن قیس جای دیگر هم دارد اسم ایشان اگر عبید بود کم آمده شاید یکی دوتا، اما این یوسف بیشتر آمده عن یوسف ابن عقیل البجلی به اصطلاح

س: عن محمد ابن قیس عن ابی جعفر علیه السلام قال کان امیر المؤمنین آخر عن ابی جعفر

ج: بلی همین این که سند نمی خواهد ابی جعفر معلوم می شود ابی جعفر کتاب را نقل کرده حالا چطور شده بعد برداشتند آن خیلی عجیب است عین عبارت نجاشی در اول کتاب قضایا و سنن این خیلی عجیب است

س: ابی جعفر یعنی که؟

ج: باقر امام باقر

س: امام باقر علیه السلام

س: چطور

ج: کنا اذا

۱۲: ۳۰

ج: امام باقر که از امیر المؤمنین نقل می کند ما مثل سنی ها که مرسل نمی گوئیم بخوانید

س: یعنی از کتاب نقل کرده

ج: ظاهرش ظاهرش امام تأیید کردند کان امیر المؤمنین

۲۳: ۳۰

قال

س: کان امیر المؤمنین علیه السلام اذا صلی یقرأ فی الاولتین من صلاته

ج: کان اذا، عین همان اذا

۳۱: ۳۰

س: نجاشی

ج: نجاشی اول کتاب را آورده خیلی عجیب است، از طروق اهل سنت هم آورده و زیدی ها این جا چیزی عجیب این الآن به ذهن من تا آن جای که من می دانم باز هم نگاه کنید این حدیث منحصر به همین است از محمد ابن عیسی عن یوسف ابن عقیل عن محمد ابن قیس عن ابی جعفر علیه السلام

س: حالا این طریق منحصر به این حدیث است

ج: یعنی نه، این توی نجاشی هم آمده اما این فقط اولش اذا افتتح الصلاة این اذا صلی دارد قرأ کذا

س: آن اذا افتتح

ج: آن اذا افتتح الآن ما حدیثی راجع به محمد ابن قیس عن ابی جعفر غیر از این الآن نداریم محمد ابن عیسی منحصر به همین است و این نشان می دهد که واقعاً محمد ابن عیسی خب نسخه ای را نقل کرده از این کتاب حالا این شواهد کاملاً واضح است که این نسخه چیز شده مثلاً مردود شده، این نسخه

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۰

جلسه: ۱۱

س: سند که، توی این سند محمد ابن احمد عن محمد ابن عیسی عن یوسف ابن عقیل عن محمد ابن قیس عن ابی جعفر هست اما مربوط به صلات امیرالمؤمنین نیست،
ج: اگر باشد مربوط به همین کتاب است
س: مثلاً از الآن چندتا تو کافی هست
ج: بخوانید من ندیده بودم قبل از

س: محمد ابن یحیی عن محمد ابن احمد عن محمد ابن عیسی عن یوسف ابن عقیل عن محمد ابن قیس عن ابی جعفر علیه السلام قال محرمة الجنة على قتاتين المشائين بالنميمة بعد دوباره اذا شهد عند الامام شاهدان انهما رعا الهدى، بعد بعدی لیستأذنکم الذین ملکت ایمانکم تفسیر این آیه
ج: همه از محمد ابن احمد است

س: همه اش همین طور است محمد ابن یحیی عن احمد ابن محمد ابن عیسی آن قبلش بود محمد ابن عیسی بلی بعد آن وقت این یکش متنش از امیرالمؤمنین است محمد ابن یحیی عن احمد ابن محمد ابن عیسی عن یوسف ابن عقیل عن محمد ابن قیس عن ابی جعفر علیه السلام قال
ج: بعید است این ارسال دارد

س: قال امیرالمؤمنین صلوات الله علیه لا خیر فی الکلاب الا کلب صید او کلب ماشیه بعد

ج: این محمد ابن عیسی ندارد عادتاً باید سقطی داشته باشد

س: این اما می تواند باز

۵۳: ۳۳

دنبالش هستید محمد ابن یحیی جلد هفت است عن محمد ابن احمد عن محمد ابن عیسی عن یوسف ابن عقیل عن محمد ابن قیس عن ابی جعفر علیه السلام قال قضی امیرالمؤمنین

ج: این قسم قضایاش است، خیلی عجیب است معلوم می شود اصلاً از اول کتاب که کان اذا صلی معلوم می شود ایشان نقل کرده محمد ابن لیکن حالا من خیال می کردم همان یکی است حالا ایشان می فرماید هفت تا، یا هشت تا یا ده تا مثلاً دوازده تا کلاً از،
س: از امیرالمؤمنین نیست آن، آن ها جز یکش از امیرالمؤمنین نبود

ج: ظاهراً محمد ابن قیس عن ابی جعفر همان کتاب امیرالمؤمنین باشد آن وقت اگر این طور باشد شرح این روایتی که عن ابی جعفر قال معلوم می شود این ها کلاً یعنی کل این روایت می شود در این مجموعه آورد که این ها از جناب آقای به اصطلاح محمد ابن عیسی یقطینی از یوسف ابن عقیل از به اصطلاح محمد ابن قیس عن ابی جعفر این ها در حقیقت از همین کتاب است عرض کردم این ها را بخواهیم جمع بکنیم بعضیاش سقط دارد افتادگی دارد اسماء واضح نیست ابهام دارد اسم امیرالمؤمنین برده نشده اما انسان وقتی جمع می کند احساس می کند که کلاً این است یعنی راهی است مال یوسف ابن عقیل به کتاب محمد ابن قیس شاید عبید ابن محمد منحصر است،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۱۴۰۱/۰۶/۲۵ - ۲۰۲۲/۰۹/۱۶

صفحه ۱۱

جلسه: ۱۱

س: دوتا دوتا از این دوتا قضایا دوتا هست تو کافی یکدیگر هم تو خود جلوتر است باز با همین سند محمد ابن یحیی عن احمد ابن محمد عن محمد ابن عسی عن یوسف ابن عقیل

ج: من اصلاً خیال می کردم محمد ابن عیسی همان یک حدیث تهذیب تو ذهنم بود ندیده بودم

س: عن ابی جعفر قال قضی امیرالمؤمنین علیه السلام فی رجل

۳۴: ۲۸

له شاء فقال الى آخر این در کافی حالا می خواهید به تهذیب هم نگاه کنم

ج: تهذیب عادتاً همین ها را می آورد اگر بیاورد مستقیم از محمد ابن احمد می آورد

س: یکش که در مورد احوال نماز امام باقر است می گوید عنه عن محمد ابن عیسی عن یوسف ابن عقیل عن محمد ابن قیس عن

ابی جعفر علیه السلام انه كان اذا صلى في الناس صلاة فجر او اضحى خفض من صوته الى آخر

ج: بعید است امام باقر باشد امام باقر صلاة

۳۴: ۵۴

چون حکومت نبود این صلات ها حکومتی است این این مال امیرالمؤمنین کان یعنی کان علی، اگر آن مطالب روشن شد اصلاً روایت جور دیگر معنی می شود یعنی متن روایت هم روشن شد کان یعنی کان علی افتاده چون امام باقر این نماز عید فطر و این ها را نماز حکومتی بود از طرف حکومت خوانده می شد این طور نبود بلی داریم در روایت که امام باقر در خانه خودشان نماز جماعت می خواندند شیعیانی که از کوفه می آمدند در خانه خودشان داریم اما این که بایند عمومی مثلاً نماز عید فطر یا عید به اصطلاح اضحی را بخوانند عید قربان را بخوانند همچون چیزی نداریم نه، ببینید با آن قواعدی که من عرض کردم چقدر متون روایت هم واضح شد کان یعنی کان علی این تقطیعی کرده قبلش ضمیر به امیرالمؤمنین بوده این کان یعنی کان علی، بفرمایید چون من انشاء الله تعالی در آخر بحث هم باز می گویم یکی از کارهای که در متون خیلی مؤثر است این مسأله تقطیع است این تقطیع خیلی متون را جا به جا کرده،

س: خب بعدش این است که اول ماه رمضان است که همان که عرض کردم اذا رأیت الهلال

۳۶: ۱۸

عن یوسف ابن عقیل عن محمد ابن قیس عن ابی جعفر علیه السلام قال قال امیرالمؤمنین علیه السلام اذا رأیت الهلال

ج: این قال همان کتاب قضایا و سنن و احکام است و این نشان می دهد که این نوشتار در قرن اول واقعاً موجود بوده یعنی شواهد بر وجود این هست حالا مثلاً شاید کتاب کم و زیاد داشته بعض مطالبش غیر صحیح بوده یا جهات دیگری بوده طبق شواهدی که ما پیدا می کنیم از زمان امام صادق تقریباً کتاب از صحنه علمی شیعه خارج می شود مثلاً الآن مثلاً صاحب دعائم که مابین کلینی و شیخ صدوق است مستقیم از این کتاب همین سندی هم که الآن خواندیم حسن ابن حسین انصاری از همین سند بعینه این پیش ایشان موجود بوده این نسخه ای که ایشان الآن گفت هم شیخ هم نجاشی همین نسخه بعینه پیش صاحب دعائم موجود بوده

س: دعائم همه را نیاورده

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

صفحه ۱۲

جلسه: ۱۱

ج: در کتاب ایضاح سند آورده در دعائم نقل می کند عن علی اما سند ندارد یک جایی یک حاشیه دارد که ظاهرش مشعر به این که از کتاب حاشیه خود صاحب دعائم از کتاب قضایا و سنن و احکام است کتاب ایضاح ندارد رساله ایضاح را نه، یادتان نیست ایضاح تو کدام شماره میراث مکتوب چاپ شده ایضاح مستقلاً چاپ شده

س: میراثی

ج: میراث حدیث شیعه، یادتان نیست یکی من دارم میراث را یا آن نسخه را من نوشتم حاشیه زدم یا خود چون بعد هم ایشان آن نسخه را به نظرم جلد ۹ و ۱۰ همان مقابل تان است

س: بلی جلد بیست و یکش فهرست است

ج: بیست و یک شاید نباشد نمی دانم هست یا نه؟ یک نسخه ای هست که رساله ایضاح قاضی نعمان صاحب دعائم

س: جلد دهم باز سند نقل می کند ولی این را می فرمایید بی سند نقل می کند

ج: نه با سند در دعائم بی سند لیکن در ایضاح سند دارد دوتا هم دارد

س: صحیح

ج: دوتا سند هم نقل می کند من تو نسخه خودم هر دو را استخراج کردم نوشتم که این نسخه بر می گردد به کتاب السنن و القضایا و الاحکام ایضاح ندارد نه؟ رساله، کتاب ایضاح

س: ایضاح نیست فکر نکنم باشد

ج: بعید است حالا به هر حال حالا به هر حال وارد این بحث پس بنابراین تا این جا این نکته را می خواستم به طور اساسی خدمت آقایون عرض کنم این بود که این مطلبی را که ایشان راجع به مبوب بودن این کتاب اشعثیات یا دعائم نقل می کند، این مطلب اختصاص به اشعثیات ندارد و قبل از کتاب اشعثیات

س: تو قضایا بوده

ج: تو قضایا بوده و قبل از آنها هم در کتاب به اصطلاح مسند امام زید هم آن هم مبوب است و آن هم با همین سند است اگر این مطالب درست باشد احتمال می دهیم حتی کتاب مثل سکونی و این ها همین طور بوده مبوب بوده ما الآن از مجموعه ای که مسانید اهل بیت است که این مجموعه زیاد هم هست و این ها جمع آوری بشود خیلی لطیف است این مجموعه این طوری است روایاتی که ما داریم عن رسول الله ابتدائش مال مسند زید است عن ایبه عن ایبه عن امیر المؤمنین عن رسول الله بعضیا هم خود امیر المؤمنین از امیر المؤمنین داریم لیکن مال قضایای امیر المؤمنین از امام صادق زیاد داریم که شهرش همین کتاب سکونی است و اصولاً زیاد داریم عن جعفر عن ایبه عن آبائه عن علی قال این را هم داریم و از موسی ابن جعفر هم یکی دوتا داریم که یکش همین آقای چیز چاپ که خدا رحمت کند مرحوم آقای جلالی به اسم مسند الامام الکاظم چاپ کرده مال بلی آن را هم ما داریم کتاب به اصطلاح عن الامام الرضا خیلی داریم از همه بیشتر از امام رضا داریم از امام جواد هم یکی داریم که به نظرم در کتاب ابن شهر آشوب آمده و الآن هم از او حدیثی نداریم ایشان نقل می کند این مجموعه ای این را حالا من در این حاشیه، این جا حاشیه

س: حاشیه دارید شما حالا

س: ایضاح تو جلد چند چاپ شده

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۳

جلسه: ۱۱

س: دفتر دهم چاپ شده

ج: دفتر ده من خیال

س: حاشیه شما هم هست این جا روش

ج: بلی من نوشتم که این کتاب طریق به کتاب محمد ابن قیس است، بده من خودم شاید واردتر باشم،

س: آن وقت با این دیدی که ایضاح دوباره

۰: ۴۱

ملاحظه کردی وقتی حواشی داشته باشد

ج: نه این جا که مال مسند زید است، نه این حواشش کم است آن حواشی که آن یک نسخه آخر این را بعد دو مرتبه چاپ کرده ایشان مستقلاً کتاب ایضاح را آن دیگر چون باریک است نمی دانم کجا گذاشتم باید بگردم پیداش کنم آن جا بیشتر من آن وقت راجع به این کتاب اشعثیات ایشان هم از ش نقل می کند این جا می گوید و فی کتب جعفریه من روایه ابی علی محمد ابن محمد عن ابی الحسن موسی عن ابیه عن جدّه ایشان هم این کتاب در اختیارش بوده

س: این جعفریات

ج: کتاب جعفریات و عرض کردیم فاصله بین این دو تا حدود نه سال ده سال بوده چون هردو هم در مصر بودند صاحب جعفریات که ابن الاشعث باشد متوفی سه صد و پنجا و یک است یا پنجا و سه است و ایشان هم سه صد و شصت یک یا سه صد و شصت و سه است بلی در، ایشان از آن کتاب در اختیارش بوده و عرض کردیم مقداری هم ایشان، ایشان از کتاب سکونی نقل کرده الآن مطابق با سکونی است، آن وقت ایشان از اشعثیات گاهی تعبیر می کند کتب الجعفریه گاهی هم تعبیر می کند الکتب الجعفریه

س: به لحاظ ابوابش می گوید کتب

ج: احسنت من می خواستم این نکته را الآن این جا نقل بکنم از ایشان که ایشان به اصطلاح دو تعبیر دارد و این نشان می دهد آن، و فی کتاب الجعفریه فی کتب الجعفریه به عنوان کتب الجعفریه هم نقل می کند ایشان حالا از کتاب حالا این،

س: بگذارید بعد از جلسه اشکال ندارد

ج: بلی بابا اشکال ندارد این ماشاءالله جعفریه را زیاد نقل می کند ایشان دیگر من زیاد است

س: مواردی که نقل می کند از جعفریه با نسخه موجود مطابقت شده

ج: ظاهراً این طور است،

س: با مصحح مطابقت کرده باشد

ج: شاید این جا نوشته این جای نسخه من، نه آن نسخه دیگر آن نسخه ای که مستقل است آن را من، نه یک جایی می شود که نسبتاً حتی زیاد هم نقل می کند از کتاب،

س: می خواهید بدهید من بگردم

ج: نه باشد من نگاه می کنم نه این آخرهایش رسیدم

س: نقل از جعفریه را روش

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۴

جلسه: ۱۱

۳: ۴۶

ج: نه نقل از چیز از کتاب قضایا و سنن، کتاب القضا یا و السنن حالا باشد من بعد جلسه بعدی انشاء الله مواردش، خب خلاصه بکنیم مطلب را برای این که جمع و جور بشود، یک مطلب این است که آیا آنچه که ابن عدی در الکامل نوشته که این کتاب محبوب است ولذا اشکال دارد می خواهی عبارت ابن عدی را یکبار دیگر بیار الکامل این اشکال را ما اصطلاحاً در شناخت حدیث اشکال شکلی کتاب می گیریم چون می دانید گاهی حتی نسخه ها هم اشکال شکلی دارند شکل این نسخه نمی خورد که مثلاً فلان کتاب باشد بحث های نسخه و نسخه خطی و اشکال این که از بحث ما الآن خارج است و محل کلام ما نیست یعنی دو جور اشکال می شود یک اشکال این که این روایات مشکل دارد یکبار این که اصلاً این شکل کتاب این تنظیم کتاب این ترتیب کتاب الآن مشکل دارد ال ابن عدی را بیار یکبار، در محمد ابن محمد ابن اشعث بود،

س: بلی

ج: حالا تعجب این است که من چند سند بین اهل سنت پیدا کردم که از همین ابن عدی همین کتاب را نقل می کند این هم خیلی عجیب است از یک طرف شاید احتمال،

س: جعفریات

ج: بلی جعفریات حالا اگر مایل بودید بعد جلسه بعد نه این به خاطر این که یک کتاب را یک مقداری بررسی بکنیم تا ببینیم به چه نتیجه ای می رسیدیم،

س: این عبارتش محمد ابن محمد ابن اشعث ابوالحسن کوفی مقیم بمصر کتبت عنه بها

س: این عبارت ابن عدی است

ج: ابن عدی است در کامل

س: حمله شده المیل الی التشیع ان اخرج

۴۰: ۴۸

قرباً من الف حدیث عن موسی ابن اسماعیل ابن موسی ابن جعفر ابن محمد عن ابیه عن جدّه الی ان یتنهی الی علی

ج: اخرجه عن که؟ اخرجه عن؟

س: اخرج نسخه قریباً من الف حدیث

ج: این الف حدیث را ما به نظرم شهید اول هم یک جایی می گوید

س: بلی شهید اول از هزار حدیث انتخاب کرده همین متن موجود را تو مجموعه اش

س: ان موسی ابن اسماعیل ابن موسی ابن جعفر ابن محمد

ج: آن وقت این چون سند را درست آورده یعنی از ابن اشعث از موسی نوه امام کاظم از پدرش اسماعیل و از به اصطلاح از موسی ابن جعفر من یادم آمد که هی می خواندم سکن هو و ولده یعنی راجع به اسماعیل به مصر بعد دقت کردم دیدم عبارت نجاشی این طور نیست حالا خوب شد من یادم آمد چون من همچنان که در متن حدیث خیلی فکر می کنم در متن کلمات بزرگان هم خیلی تأمل، سکن بمصر و ولده بها این طوری بود من خیال می کردم سکن هو و ولده بمصر من این جوری می خواندم که

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

صفحه ۱۵

جلسه: ۱۱

.....
حالا آن دفعه که تو نوار صحبت شد لیکن نه ظاهراً مراد ایشان این است که ایشان مصر آمد اولادش هم در مصر اند که یکش همین موسی باشد بفرمایید آقا

س: الی ان یتتهی الی علی و النبی صلی الله علیه و آله و سلم کتاب کتاب،

ج: کتاب عین همان عبارت نجاشی کتاباً کتاباً

س: باباً باباً

ج: باباً باباً داشت بعد دارد کتاب الصلاة کتاب بلی بفرمایید

س: یخرج الینا بخط طری علی کاغذ جدید فیها مقاطع و قامته مسنده مناکر کلها او عامتها

ج: خب

س: فذكرنا روايته هذه الاحاديث عن موسى هذا لابی عبدالله الحسين ابن علی ابن الحسن ابن علی ابن عمر ابن علی ابن الحسن ابن علی ابی طالب و كان شيخاً من اهل البيت بمصر و هو اخ الناصر و كان اكبر منه فقال لنا كان موسى هذا جار بالمدينه اربعين سنه، ما ذكر قط ان عنده شيئاً من الروايه لا عن ابيه و لا عن غيره، دیگر یک مقدار از این متون را می آورد

ج: بعد متون می آورد

س: بلی یک سری از این احادیث را می آورد

ج: مثلاً چندتا می آورد؟

س: بلی نعم القصد البلوغ يوافق الدين اذا وافق القلب القلب التقوى هو كرم، و الحكم زين و الصبر خير مركب، سه چهار پنج شش هفت هشت نه ده، حدود هجده تا می آورد بعد هم یک جوری آورده که دیگر متنش شهادت بده بهش مثل این که فضلنا س: بشود ردش کنی؟

س: بلی فضلنا الله اهل البيت علی الناس كفضل البنفسجی علی سائر الادهان

س: گشته گشته

س: بلی

ج: خب بعدش

س: قال الشيخ و هذه النسخه

ج: مراد شیخ قال الشيخ ابن عدی صاحب کتاب مراد ابن عدی است

س: و هذه النسخه كتبتها عنه و هي قریبة من الف حدیث و كتبت عامتها عنه و هذه الاحاديث و غيرها من المناكر فی هذه النسخه و فیها اخبار مما يوافق متونه متون اهل صدق و كان متهماً فی هذه النسخه و لم اجد فیها اصلاً كان یخرج الینا بخط طری و کاغذ جدید

ج: و لم نجد له اصلاً ریشه ای برایش پیدا، آنی که نگفته از کجا گرفته هم خطش جدید بوده هم کاغذش جدید بوده خب،

س: حالا این دوتا

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

صفحه ۱۶

جلسه: ۱۱

ج: خب حالا باز کامل ابن عدی را بیاورید علی ابن موسی حضرت رضا را، حضرت رضا را هم بیاورید بلی آقا؟

س: فلسفه که کتب جعفریه کتب جعفریه

ج: زیاد دارد

س: قضایا و سنن آن را پیدا کنید

س: این سند هم دارد که این خیلی تعجب است یعنی

س: قضایا و سنن را پیدا کردید

س: همان دوتا اشکال دیگرش وارد است دیگر

س: فی الکتب الجعفریه بالاسناد الاول عن علی

ج: همان اسناد اولیه که دیگر عن موسی پسر اسماعیل عن اسماعیل عن الکاظم علیه السلام

س: ببین قضایا و سنن دارد یا نه؟

ج: آن قضایا و سنن توش حسن ابن حسین انصاری هست به نظرم بلی آقا

س: علی ابن موسی،

ج: در علی ابن موسی ببین در کتاب اشعثیات هم اشکال شکلی دارد که مثلاً کاغذ جدید و این ها هم اشکال معنوی دارد مقداری

از احادیث را آورده که این احادیث به اصطلاح

س: منکر است

ج: منکر است البته آن فضلنا ندارد فضلنا علی البشر

س: آخر فضلنا الله

ج: الله آورده بلی بلی بفرمایید

س: فضل الشمس علی الضحی داریم ولی

س: این علی ابن موسی الرضا را، کم دارد

س: یک سومی که تو جعفریات هست تو دعائم الاسلام هست

ج: بلی عرض کردم دعائم از این گرفته و خیلی هاش هم تو سکونی است اصلاً

س: این

۱۵: ۵۴

علی ابن موسی را دارد؟ مدخل دارد

س: اگر کسی بناست مدخل داشته باشد اولی علی ابن موسی است

ج: رفتید تا آخرهایش

س: فی الضعفاء است آخر نبودنش محل چیز است فضیلتش بیشتر است این جا من مدخلی برای علی ابن موسی پیدا نمی کنم،

ج: ای،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

صفحه ۱۷

جلسه: ۱۱

س: عقیل دارد بعد عبید ابن ابی عمران

ج: علی را که دارد حتماً نمی شود نداشته باشد

س: باب علی کلاً

ج: باید باشد باب علی نمی شود

س: شاید باب علی شاید

ج: بلی باب علی که باید داشته باشد نمی شود که،

س: بعد این مرسوم بوده که مثلاً فقط یک فصلی از یک کتاب نقل بشود

ج: بلی شاید هم

س: این کار را انجام می دادند

ج: بلی می گوید همین مقدار اجازه به من داده، یا این مقدار را من انتخاب می کنم

س: یا آن مقدارش را موفق شدند بخوانند پیش شیخ

ج: علی ابن موسی را ندارد

س: و فی کتاب قضایا، روایه علی ابن الحسن ابن حسین عن

ج: بلی بخوانید شما چون عینک من هم نیست بلی

س: بلی در صفحه صد و شصت این مجله فی کتاب القضایا روایه علی ابن الحسین ابن الحسین عن علی ابن القاسم ابن کندی

ج: این به نظرم روایه علی عن الحسن ابن الحسین بلی عن القاسم ابن کندی

س: کندی عن محمد ابن عبدالله

ج: عبیدالله باید باشد

س: بلی این جا عبدالله نوشته بلی

ج: ما داشتیم ما عین همین سند نجاشی است

س: بلی بن علی ابن ابی رافع همین عبیدالله ابن علی ابن ابی رافع

ج: ببینید این جا چه دارد؟ عبیدالله ابن ابی رافع یکی ما دارید ایشان دارد عبیدالله ابن علی ابن ابی رافع

س: بلی

ج: روشن شد من عرض کردم که این عبیدالله بعض جاها نوه است بعض جاها پسر است

س: بلی عن

ج: معلوم شد اختلاف نجاشی نوشته محمد ابن عبیدالله ابن ابی رافع این جا نوشته عبیدالله ابن علی ابن ابی رافع

س: عن ابیه عن جده عن علی

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

صفحه ۱۸

جلسه: ۱۱

ج: این عین همین سندی است که نجاشی دارد علی ابن قاسم کندی با مراجعه می شود اشتباهاتی، و معلوم می شود این کتاب تا در اختیار، آن وقت چندتا دیگر هم بعد دارد باز از همین اسمش را گذاشته قضایا کتاب القضایا در صورتی که اسم کاملش السنن والاحکام و، سنت نقل می کند یا نه؟

س: بعد می گوید فی کتاب القضایا روایه علی ابن الحسین این جا تعبیرش کتاب القضایاست

ج: بعد چه دارد؟ مضمونش چه است؟ مضمون حدیث

س: مضمون این حدیث عن علی انه قال لایعم الرجل الرجل خلفه و لیعم الرجلین و فوق ذلک و فی هذا اللفظ بیان انه انما کره ذلک ان يتأخر الواحد خلف الامام یعنی واحد باید بغل امام وایسته،

ج: دست راست مثلاً

س: فتوی هم داریم

ج: ما تو شیعه آقای خویی هم نظرش این است که تنها باشد فقط دست راست باشد

س:

۵۸:۰

را همه نگاه کردم ایشان مدخلی برای امام علی ابن موسی ندارد، عمر را اول آورده تو عین بعد علی را آورده بعد رفته به ترتیب

ج: به نظرم این فهرستش مرتب نیست باید خود علی ابن موسی را بزن اگر خود

س: خود علی ابن موسی را هم آخر جستجو کردم

ج: نداشت خیلی خوب پس من اشتباه کردم بلی

س: متنی که تو ذهن تان بوده چه بوده؟

ج: بعد من آن چاپ دیگر نوشتم که جاهای دیگر بعد از این هم چندجا می آورد روشن شد این آن نکاتی را که عرض کردم که

عبیدالله الآن مثلاً در این نسخه نوه ابورافع است در نسخه نجاشی پسر ابورافع است

س: بلی یک جای دیگر هست در صفحه ۱۷۰ نوشته فی کتب محمد ابن سلام روایت عن ابی جمیل عن حسن ابن الحسین

ج: عن الحسن ابن الحسین الانصاری آن جا هم همین سند بود

س: بلی عن علی ابن عاصم کندی

ج: علی ابن عاصم نوشته آن جا علی ابن قاسم

س: عن عبیدالله ابن علی

ج: آن جا محمد داشت،

س: ما اضافه کردیم محمد ابن عبیدالله ابن علی ابن ابی رافع عن ایبه عن جده عن علی قال اذا نسی الامام آیه و هو فی الصلاة

فلا یذکرها من فی الصف فی الصلاة

س: این جا نوشته فی کتب محمد ابن سلام

ج: اشکال ندارد باز طریقهش اما نسخه همان است حسن ابن حسین

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۹

جلسه: ۱۱

س: دیگر تمام است

ج: عن علی ابن القاسم الکندی عن محمد، محمدش باز افتاده شده عبیدالله، این این‌ها جزو سنن است یا جزو احکام است احتمالاً جزو قضایا هم نیست بعد دیگر باز بازهم دارد یک چندتا بعد از این

س: بلی کتب جعفریه و باز فی کتب محمد ابن سلام روایتی عن غیاث ابن ابراهیم عن جعفر ابن محمد انه کره ان يتطوع الامام فی مکانه الذی

ج: نه این‌که مال آن نیست

س: عمّ فيه للكتب و فی کتاب القضاء من روایه ابی جعفر احمد ابن حفص الخضعمی

ج: عرض کردم چندتا نسخه دارد این نسخ متعددش است

س: عن عباد ابن یعقوب عن عبید ابن محمد ابن قیس البجلی عن ابیه

ج: این پسر محمد ابن قیس است عن ابیه ما به نظرم عبید ابن محمد یکی داریم این ببینید این یک نسخه‌ای است که به ابوجعفر بر می‌گردد عن عبید ابن محمد ابن قیس عن ابیه عن ابی جعفر

س: قال امرت رجلاً سئل اباجعفر قال قلت ان لنا جاراً ناصبياً و من حاله کذا و کذا ان لم اصلی خلفه اشتهرت یا

ج: نه این از این کتاب قضایا نیست نه، این از خود امام باقر است از کتابی،

س: باز دوباره و فی کتاب القضاء من روایه احمد ابن الحسین ابن حفص الخضعمی عن عباد ابن یعقوب قال اخبرنا سعید ابن

عمیر ابن مسعده عن ابی عبدالله جعفر ابن محمد عن ابیه عن جده کتاب القضاء بعد دیگر فی کتاب القضاء کتب جعفریه

س: ما من صفحه‌ای نیست که کتب جعفریه و

ج: جعفریه را خیلی دارد خیلی زیاد معاصر ایشان است دیگر

س: بلی بلی فی کتب جعفریه

ج: کتاب قضایا که بر می‌گردد ابورافع دو سه نسخه

۶۱: ۲۵

دارد خیلی خوب حالا ما بحث‌مان را اجمالاً روشن شد بر گردیم به خود سر بحث چون دیگر این آقا اشکال کرده بود من خیال

کردم علی ابن موسی را هم دارد و صحیفه نقل می‌کند از علی ابن موسی، مسند به حساب صحیفه الرضا علیه‌السلام یا مثلاً آن که

است؟ آن کسی که در پیش ما از علی ابن موسی شاید ایشان اسم آن را آورده می‌گوید روی عن الرضا علیه‌السلام،

س:

۶۱: ۵۴

اباصلت شاید

ج: نه ابا صلت صحیفه ندارد یکی دیگر است، همین که چیز دارد همین صحیفه الرضای که داریم نسخه مشهورش است عبدالله

ابن صدقه محمد ابن عبدالله همچو اسمی دارد که ایشان نسخه معروف صحیفه الرضا را نقل می‌کند شاید در ذیل عنوان آن آورده،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

صفحه ۲۰

جلسه: ۱۱

ج: یکجای دیگر دارد و وجه من خامس فی کتاب القضايا من روايه ابی جعفر محمد ابن الحسين ابن الحفص الخضعمی عن عباد ابن یعقوب

ج: نه این احتمالاً قضایای است که از امام صادق و باقر است ربطی به آن ندارد

س: باز فی کتاب القضايا من روايه الحسن ابن الحسين انصاری

ج: همین

س: علی ابن قاسم کندی

ج: علی ابن قاسم این عین نسخه نجاشی و شیخ است

س: عن محمد ابن عبیدالله ابن ابی رافع مولى النبی عن ابيه عن جده

ج: این جا عبیدالله بن ابی رافع دارد علی ندارد

س: بلی

س: بسیار خوب

ج: این همین نسخه نجاشی و نسخه مرحوم شیخ طوسی است حسن ابن حسین انصاری عین همان سند است

س: بلی خیلی کمک می کند

ج: احسن این نشان می دهد که تا زمان ایشان مستقیماً توانسته از کتاب نقل بکند خیلی عجیب است و این معنایش این است که در زمان ایشان موجود بوده به مصر هم رفته لیکن کلینی و مرحوم صدوق اصلاً نقل نکردند از این نسخه اصلاً نقل نکرده، و عجیب این است که هم مرحوم شیخ هم مرحوم نجاشی اجازه به این نسخه دارند دقیقاً همین نسخه حسن ابن حسین انصاری عن علی ابن قاسم کندی عن محمد ابن عبیدالله دقیقاً به همین نسخه اجازه دارد خب آقا من دیگر بحث را جمع و جورش کنیم.

خلاصه بحثی را که الآن می خواستیم الآن این جا عرض کنم این بود که این مطلبی که ایشان نوشته که کتاب مبوب است این مطلب درست است این مطلب که این اشکال شکلی بر کتاب باشد انصافاً این اشکال خیلی وارد نیست اما این که این کتاب خط جدیدی بوده و کاغذ جدید این چرا یک اشکال شکلی دیگر بر آن نسخه است

س: آن منافات دارد این نسخه جدید

۱۰: ۶۴

ج: بلی اما این هم منافات ندارد انما الکلام بیارید کتابی مثل آقای خویی را بیارید حالا من یک عبارتی هم این جا بخوانم یک کمی، دیگر حالا وارد بحث کتاب اشعثیات شدیم

س: دیگر خیلی وارد کتاب شدیم

ج: اسماعیل ابن موسی ابن جعفر را بیار بابا

س: تو معجم آقای خویی

ج: تو معجم آقای خویی اسماعیل ابن موسی ابن جعفر را بیار یعنی صاحب اصلی کتاب اشعثیات اسماعیل بن موسی ابن جعفر و این هم یکی از عجایب است که باز هم این کتاب با این که بعضی از مشایخ بغداد اجازه دادند باز هم مشهور نشد بین اصحاب چون

.....
عرض کردم یک نسخه‌ای است که نجاشی و شیخ هردو از آن نقل می‌کنند بعد در زمان، در مثلاً این نسخه تاریخش می‌خورد به قبل از کلینی این مشهور نمی‌شود حتی صدوق هم نقل نمی‌کند حتی شیخ طوسی هم نقل، بعدها در قرن ششم سید فضل الله راوندی باز هم همین نسخه را نقل می‌کند باز هم مشهور نمی‌شود در قرن سیزدهم نسخه‌ای از هند می‌آید که مرحوم حاجی نوری در مستدرک نقل می‌کند این نسخه مشهور می‌شود الآن نسخه مشهور بین ما این نسخه است و این هم هنوز برای ما روشن نیست که چطور شد این نسخه یک دفعه در قرن سیزدهم و اوایل چهاردهم ایشان متوفای هزار و سه صد و بیست است مرحوم حاجی نوری

س: خب شاید

۳۴: ۶۵

داشته که انتخاب کرده ازش تعداد حدیث

ج: این الآن این نسخه این طوری است آن وقت نجاشی من تمام این چون ما به طور کلی بحث‌های که می‌کنیم یک مقدارش مال بیان واقعیت و حقایق است واقع گرایي به اصطلاح یک بخش دیگرش هم مربوط به حجت گرایي است اصولاً در دنیای که الآن متعارف است بیشتر بخش‌های واقع گرایي را مطرح می‌کنند لیکن ما در حوزه‌های علمیه خودمان حجیت را هم بحث می‌کنیم بحث حجیت هم هست چون دو سنخ بحث است من سعیم این است که هردو را انجام بدهم اولاً واقع گرایي باشد بعد هم مسأله حجیت و آیا حجت هست یا نه؟ این هم یک نکته‌ای چون الآن در این جا یک مسأله‌ای است که تاب ارزش را دارد ارزش است و بر می‌گردد به اختلاف نسخه نه، بر می‌گردد به شکل کتاب یعنی بر می‌گردد به این که واقعاً این کتاب چه جوری بوده این اشکالاتی که این‌ها کردند یا اشکالات دیگر بر این کتاب اشعثیات هست یا نه؟ آوردید معجم را

س: بلی آوردم

ج: بخوانید قال النجاشی بخوانید

س: شماره ۱۴۴۴ معجم قال النجاشی اسماعیل ابن موسی ابن جعفر

ج: الی آخر نسب نقل، بعد

س: سکن مصر و ولده بها

ج: و ولده بها من اول بر عکس می‌خواندم سکن و ولده بها، نه به مصر نه سکن به مصر و ولده

س: کانوا

ج: اولادش الآن در مصر اند زمان ایشان چون عرض کردیم خلافت حکومت فاطمی‌ها از دویست و نود و هفت است تا این زمانی که نجاشی هست معلوم می‌شود که خاندان اسماعیل در مصر اند و ولده بها

س: و له کتب یرویه عن ابیه عن آبائه منه کتاب الطهارة کتاب الصلاة کتاب الزکات الی آخره

ج: حالا این چندتا کتاب را ایشان نام می‌برد مهمش این است که یک بحث هست که اقامه حدود فقط شأن امام است فقیه نمی‌تواند، بحث حجیت گرایي ما بر این بود یک حدیث هست که الحدود الی الامام این روایت الآن در طروق ما در این کتاب هست در این

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۲

جلسه: ۱۱

.....
کتاب اشعثیات آقای خویی اشکال کردند که این در کتاب اشعثیاتی که ما الآن داریم چون این اشعثیات مبوب است در کتاب التفسیر آمده، و نجاشی که اسماء کتابها را نوشته کتاب التفسیر را اسم نبرده دقت کردید چه می‌خواهم بگویم؟
س: یعنی ممکن است از ملحقات کتاب باشد

ج: ها! این نمی‌توانیم اسم، مرحوم آقای حاج سیداحمدخوانساری در جامع المدارک جلد هفت که بعدها اضافه کردند ایشان کلام آقای خویی می‌آورد می‌گوید ممکن است مثلاً نجاشی کامل نوشته مثلاً یک مضمون بالاخره این در این که در این کتاب هست که جای بحث نیست شاید آنچه که نجاشی نوشته رحمه الله نسخه کامل نباشد این مقداری الآن من به این مناسبت دیگر حالا این جا پیش آمد

س: بلی

ج: یعنی اشکال در حقیقت در سند نیست اشکال در، البته مرحوم صاحب جواهر این بحث را آورده در سند کتاب خیلی هم حمله می‌کند به کتاب به کتاب اشعثیات نسبت به خودش خیلی، لیکن با قطع نظر از این نکته‌ای اشکالات صاحب جواهر یک نکته دیگر آن کتاب تفسیر جزو کتاب‌های ایشان نام برده نشده لذا الآن اطمینانی نداریم که این نسخه همان نسخه‌ای باشد که نجاشی ازش خبر داده، کتابها را اسم برده نجاشی، اسمش بخوانید بعد خبرنا

س: بلی اخبارنا الحسین ابن عبیدالله

ج: این خیلی مهم است حسین ابن عبیدالله ابن غضائری که از بزرگان بغداد است درجه اول ابن غضائری پدر ایشان این نسخه را نقل می‌کند و ما تعجب‌مان این است که با نقل ایشان چرا باز مشهور نشده، قال حدثنا

س: ابو محمد سهل ابن احمد ابن سهل

ج: سهل ابن احمد ابن سهل دیباجی محل کلام است این ظاهراً ایشان مصر رفته، ایشان رفته مصر و از خود ابن الاشعث شنیده محمد ابن اشعث محمد ابن محمد ابن اشعث بفرماید

س: قال حدثنا ابوعلی محمد ابن محمد ابن اشعث بمصر قرائه علیه، قال حدثنا موسی ابن اسماعیل ابن موسی ابن جعفر

ج: ببید حدثنا قرائه علیه در مصر یعنی خواندم من در مصر این کتاب را بر ایشان خواندم دقت کنید ظاهر عبارت نجاشی این است که سهل ابن احمد دیباجی خود کتاب اسماعیل را خوانده خود کتاب اسماعیل را بر ابن اشعث خوانده گفته این کتاب اسماعیل ابن موسی پسر امام کاظم این را پیش ابن الاشعث خوانده این عبارت ایشان بفرمایید، بعد هم نجاشی گفت له کتب، همین مقدار بفرمایید

س: قال حدثنا موسی ابن اسماعیل ابن موسی ابن جعفر علیهما السلام قال حدثنا ابی بکته این آقا این جا آورده

ج: بلی

س: عبارت شیخ را آورده

ج: حالا عبارت شیخ را دقت کنید من چون می‌گویم خیلی رو متن دقت کنید بخوانید عبارت شیخ را

س: فهرست؟

ج: فهرستش را

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

صفحه ۲۳

جلسه: ۱۱

س: اولش که یکی است له کتب یرویهها عن ابیه عن آبائه علیهم السلام مبوبه

ج: این کلمه مبوبه شیخ دارد نجاشی ندارد خیلی عجیب است

س: بلی

ج: خیلی عجیب است یعنی تعجبش این است که مصدر شیخ و نجاشی هم یکی است یعنی شیخ هم که می گوید می گوید حسین

ابن عبیدالله ابن غضائری پدر،

س: آن که خود نجاشی می گوید کتاب الصلاة، زکات این ها مرادش همین است شیخ این جا خواسته خلاصه بگوید بگوید

ج: آیا مراد شیخ خلاصه گفتن

س: اسامی را آورده

ج: نه

س: اسامی را آورده

ج: اسامی را هم آورده آیا مراد شیخ اشاره به همین اشکال ابن عدی است که این کتاب مبوب است مثلاً حالا این یک نکته ای

است که ما البته اختلاف گاهی بین شیخ و نجاشی را با وحدت مصدر می بینیم این هم برای ما خودش یک بحثی است که سابقاً

به یک عناوینی مطرح کردیم این جا عجیب است کلمه مبوبه را شیخ دارد و نجاشی ندارد

س: عیناً ابواب را می آورد می گوید اخبارنا بجمیعها الحسین ابن عبیدالله

ج: همان سند اخبارنا حسین ابن عبیدالله، عن سهل ابن احمد ابن

س:

۷۳: ۰

ج: نه نه همانی است بخواند قرائه علیه

س: قال اخبارنا ابو محمد سهل ابن احمد ابن سهل دیباجی

ج: قال اخبارنا

س: قال حدثنا ابو علی محمد ابن محمد ابن اشعث بمصر قرائه علیه من کتابه

ج: این کلمه من کتابه را هم نجاشی ندارد،

س: من کتابه خب قرائت مگر از چیز دیگر هم می شود

ج: شاید اشاره نیست که این کتاب مال خود محمد ابن اشعث است، همان اشکال ابن عدی می گفت کاغذش جدید بود چون

ظاهر عبارت نجاشی عرض کردم من رو متن حدیث خیلی زیاد کار کردیم دیگر رو متون و عبارت علما هم ظاهر عبارت نجاشی

این است که آنی که قرائت کرده خود کتاب اسماعیل است این ظاهر عبارت کتاب ابن الاشعث است

س: کتابه یعنی نسخه یا از کتاب

ج: ظاهرش کتاب خود ابن، و نمی دانیم چرا مرحوم شیخ این دو کلمه را با این که مصدرش واضح است یکی است، مصدرش ابن

غضائری پدر است، آن سهل ابن احمد یعنی تمام سند یکی، هیچ بحثی ندارد مصدر و سند و اجازه کاملاً واحد است، یکی کلمه

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

صفحه ۲۴

جلسه: ۱۱

مبویه را آن زیادی دارد شیخ، و عادتاً در کتاب شناسی شیخ به دقت نجاشی نیست انصافاً نجاشی دقیق تر است روشن شد این یک مطلب آقا که من هم هنوز نفهمیدم چرا شیخ دوتا کلمه اضافه دارد

س: یکی مبوب، یکی

ج: یکی هم من کتابه قرائه علیه من کتابه یعنی کتاب ابن الاشعث عبارت نجاشی ظاهرش این است که خود کتاب اسماعیل را خوانده، داشته می گفته صاحب کتاب اسماعیل است دیگر قرئته من قرائه علیه بمصر کلمه من کتابه ندارد مگر ضمیر من کتابه را به اسماعیل بر گردانیم،

س: بلی قال حدثنا موسی ابن الی آخره

ج: مگر ضمیر کتابه را به اسماعیل بر گردانیم و الا انصافاً این دو نکته دارد، حالا چیزی عجیب تر در این جا که هنوز برای ما خیلی ابهام دارد که در این نکته آقای خویی هم گفتند آقای خوانساری هم جواب داده اما این تحلیلی که عرض می کنم موسی ابن اسماعیل را بیاورید موسی پسر اسماعیل نه خود اسماعیل از عجایب این است که نجاشی رحمه الله یک کتاب دیگر به این نسبت می دهد پسره

س: موسی

ج: این خیلی عجیب است

س: از همین طریق

ج: از طریق ابن غضائری نیست، از یک طریقی الآن عرض می کنم، موسی ابن اسماعیل را بیارید،

س: در نجاشی

ج: بلی شیخ هم دارد هردو دارند خیلی عجیب است هردو بغدادی مثل هم اند در همان معجم آقای خویی بیارید در جلد ۱۹ معجم

س: خود نجاشی نیاورم

ج: نه دیگر چون مال آقای خویی، شیخ هم خوانده بشود

س: خود نجاشی باز،

۱۳: ۷۵

شماره ۱۰۹۱ موسی اسماعیل له کتاب جوامع التفسیر

ج: کتاب تفسیر را به این نسبت می دهد

س: این باب التفسیر ممکن است مال این باشد

س: مشکل محدث حل می شود

ج: مشکل حدیث حل می شود

س: یک سقطی آن جا تو موسی افتاده در آن حدیثه

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۵

جلسه: ۱۱

ج: آن وقت سند نمی‌دهد این هم خیلی عجیب است نجاشی طریق نمی‌دهد فقط می‌گوید له کتاب جوامع التفسیر یکی دوتا کتاب دیگر یک کتاب دیگر هم اسم می‌برد،

س: باب الصلاة و وضوء

ج: نه شیخ بیشتر اسم می‌برد شیخ هم عین رواه عنه محمد ابن محمد ابن اشعث

س: نجاشی له جوامع التفسیر و له کتاب الوضوء روی هذه الكتب محمد ابن اشعث

ج: تمام شد طریق ندارد

س: اما روایت شیخ به این شکل است که له کتاب الصلاة و کتاب الوضوء رواه ما عنه محمد ابن اشعث و له کتاب جوامع التفسیر

ج: آن وقت آقای خویی در ذیل عبارت شیخ آورده و طریق الشیخ الیه مجهول، این هم نکته‌اش را چون آقای خویی طریق نجاشی را بررسی نمی‌کند حالا مرحوم آقای ابطحی طریق نجاشی را هم بررسی می‌کند ایشان چون بررسی نمی‌کند طرقتش نجاشی هم مجهول هر دو فرق نمی‌کند

س: آقای خویی چون روایات را می‌خواهد

ج: به نظر فقهی و این‌ها نمی‌خواهد به لحاظ فهرستی بررسی کند

س: و طریق الشیخ الیه مجهول،

ج: و طریق الشیخ طریق نجاشی هم مجهول،

س: مثل همان

ج: مثل، عین هم‌اند شیخ یک کتاب بیشتر بهش نسبت داده،

س: یا جدا کرده بود شیخ یعنی نجاشی هر سه را دنبال هم آورده شیخ

ج: نه شیخ، نجاشی دو کتاب داده شیخ سه کتاب وضوء و صلات و تفسیر

س: این نحوه‌اش دوتاش از یک روایت بود

س: آن اول آورده تفسیر را این آخر

ج: آن وقت آیا احتمال دارد این نسخه‌ای که بعدها نقل شده آن نسخه‌ای که به نجاشی رسیده مال اسماعیل بوده یک نسخه دیگری از اشعثیات بوده که توش تفسیر هم بوده این نسخه پسرش است این دوتا باهم مدغم شدند این نسخه هندی ماست الآن متوجه شدید چه می‌خواهم بگویم،

س: بلی

ج: چون پسر موسی هم از پدرش نقل می‌کند نجاشی توضیح نمی‌دهد متأسفانه طریق هم نمی‌دهد، شیخ هم همین طور،

س: احتمال ندارد یکی باشد طرقتش نجاشی برای همین نگفته،

ج: خب می‌گفت که طرقتش را بگوید همین که الآن ما الآن داریم کتاب اشعثیات فعلی ما که از هند آمده توش تفسیر ندارد لیکن یک نسخه اشعثیات به نظرم صاحب بحار را بعد تاریخش را عرض می‌کنم صاحب بحار نقل می‌کند توش کتاب التفسیر دارد، احتمال دارد که این نسخه ما همان نسخه اسماعیل باشد آن نسخه‌ای که در بحار تفسیر هست نسخه موسی پسر ایشان است و

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

جمعه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۶

جلسه: ۱۱

این که از کتاب التفسیر نقل شده در حقیقت آن نسخه، ببخشید در این نسخه موجود تفسیر هست معذرت می‌خواهم الآن هست نجاشی طریق بهش ندارد، یعنی در طریق نجاشی کتاب التفسیر نیامده ممکن است این نسخه موجودی که ما داریم یک تلفیقی است بین نسخه موسی و اسماعیل پدر و پسر تفسیرش از پسر است اضافه کرده
س: بقیه از پدر،

ج: بقیه از پدر است، علی ای حال از این که، و این نکته را ابن عدی هم ندارد اصلاً این نکته را ابن عدی همین سند را دارد می‌گوید ابن الاشعث از موسی از اسماعیل از موسی ابن جعفر سلام الله علیه دارد این را اما نکته نمی‌گوید که این دوتا نسخه دارد یک نسخه مال پسر است که جوامع التفسیر دارد یک نسخه مال پدر است که جوامع التفسیر ندارد و نسخه مطبوع فعلی ما دارد تفسیر را اشکال آقای خویی هم این است که کتاب التفسیر تو فهرست نجاشی نیامده یعنی به عبارت آخری ما در شناخت حدیث، غیر از حالا، چون آقای خویی عادتاً روی سند حساب می‌کند، معلوم می‌شد که کتابشناسی و اشکالاتی که رو کتاب هست این خیلی مؤثر است این را دیگر فردا توضیح بیشتری عرض می‌کنم ببینیم اگر این مطلب شد حل این نسخه هم می‌شود این نسخه بنابر قول نجاشی که متأسفانه علی خلاف القاعدة ایشان توضیحی راجع به این جهت نداده، چطور شده دو نسخه داریم یکی مال پسر یکی مال پدر.